

عوامل رفتاری سازگاری همسران از دیدگاه قرآن کریم

کرامت حمید وحیدیان اردکان*

محمود رجبی**

چکیده

خانواده و استحکام آن و برقراری سازگاری میان همسران، از مسائل مورد اهتمام قرآن کریم است. از سوی دیگر، استحکام خانواده آثار مهم فردی و اجتماعی بر زندگی همسران و همچنین در اجتماع دارد. این مقاله در پی شناخت عوامل رفتاری سازگاری همسران از منظر قرآن است. روش گردآوری مطالب، فیش برداری و مطالعه روایات تفسیری است و پردازش مطالب به صورت تحلیلی است.

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد عوامل رفتاری سازگاری همسران عبارتند از: رعایت ضوابط دینی، توکل بر خدا، رعایت حریم عفاف، زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از توفیق الهی، فرمان برداری عاشقانه از خدا، صبر، پابندی به حقوق همسر، رعایت ارزش‌های اجتماعی در رفتار، رعایت حقوق شوهر در غیاب وی.

کلیدواژه‌ها: سازگاری، همسران، رفتاری، قرآن، روایات.

مقدمه

می‌گردد. در این نوشتار تلاش شده است با روش استنادی و تحلیلی با مراجعه موردی به آیات قرآن و برخی از تفاسیر معتبر، به این سؤال پاسخ داده شود که از منظر قرآن کریم عوامل رفتاری مؤثر در سازگاری همسران کدام است؟

مفهوم‌شناسی

«عوامل» جمع عامل، اسم فاعل از ماده «عمل»، است که در معنای عام و در مصادیق خاص به کار می‌رود. این واژه در علوم مختلف در مصادیق متفاوتی و با واژگان معادل متفاوتی به کار رفته است. برای نمونه، در اقتصاد به کارگر در یک حرفه یا صنعت «عامل» گفته می‌شود و در جامعه‌شناسی به نیروهای اثرگذار اطلاق می‌گردد. در کاربرد دیگری، به مسئولان و کسانی که عهده‌دار امور مردم هستند عامل و کارگزار اطلاق می‌شود. در قرآن کریم نیز عامل در معنای عام در مثل «فاعمل اننا عاملون» و در مورد خاص مانند «والعاملین علیها» (کارگزاران زکات) به کار رفته است. معنای موردنظر در این مقاله معنای عام لغوی عامل است که انواع مختلف امور اثرگذار را دربر می‌گیرد.

«رفتار» حاصل مصدر از «رفتن» به معنای سلوک است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۰۷۰۷؛ معین، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۶۳). نیز به معنای روش و سیرت هم می‌آید. بدرفتار، یعنی آنکه روش و رفتار او شایسته نباشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۰۷۰۷). برای رفتار معانی‌ای همچون بازتاب فرد نسبت به یک وضع، روش کار شخص در یک وضع و موقعیت خاص و یک اقدام و عمل (شامل گفتار و کردار) بیان کرده‌اند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۵۳ و ۵۲). رفتار معنایی نزدیک به کنش، کردار و فعل دارد. کتاب‌های لغت فعل و کنش را در موارد فراوانی به وسیله یکدیگر معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مختلف زندگی بشر که سهم عمده‌ای از روابط او را به خود اختصاص می‌دهد زندگی خانوادگی و ارتباط با همسر است. این ارتباط، علاوه بر سهمی که خود از ارتباطات روزمره انسان دارد، در شکل‌دهی به دیگر ارتباطات انسان نیز تأثیر بسزایی می‌گذارد. همسرانی که در خانواده‌ای اینچنینی زندگی می‌کنند، از احساس رضایت و امنیت بالایی برخوردارند و کمتر دچار اضطراب و مشکلات روانی می‌شوند. در چنین خانواده‌هایی، هم نیازهای عاطفی و روحی فرزندان به خوبی تأمین می‌شود و هم مهارت‌های زندگی اجتماعی به خوبی در آنها شکل می‌گیرد. این، خود نقش بی‌بدیل استحکام خانواده را در اجتماع نمایان می‌سازد. از منظری دیگر، وجود خانواده‌های سازگار و نتایج فردی و اجتماعی آن در ترسیم چهره‌ای زیبا و پویا از جامعه اسلامی نقش مهمی دارد. بخصوص در فضایی که مسئله خانواده در غرب به یک تهدید جدی تبدیل شده است، می‌توان از این امر برای معرفی و ترویج اسلام در سطح بین‌المللی استفاده کرد. سازگاری همسران و مستحکم شدن پیوندهای ارتباطی اعضای خانواده از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

اکثر منابع ناظر به حوزه سازگاری همسران، به بررسی موضوع از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته و اندک منابعی که به متون اسلامی توجه داشته‌اند نیز بر روایات متمرکز بوده و کمتر از آیات بهره گرفته‌اند؛ کتاب‌هایی همچون اخلاق در خانه، حسین مظاهری؛ همسران سازگار (راه کارهای سازگاری)، علی حسین‌زاده؛ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری‌شهری؛ نظام حیات خانواده در اسلام، علی قائمی. با توجه به مطالب پیش‌گفته، ضرورت بررسی موضوع با محوریت قرآن کریم و با روش تفسیر موضوعی دوچندان

عوامل رفتاری سازگاری همسران از دیدگاه قرآن

کریم

۱. توکل بر خدا

توکل از ماده «وک ل» می‌باشد. کسانی آن را به معنای تفویض دانسته (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۰۵) و برخی دیگر گفته‌اند: توکل یعنی به دیگری اعتماد کنی و او را نایب خودت قرار دهی. توکل به دو گونه استعمال می‌شود: یکی به صورت «توکلت لفلان» و دیگر «توکلت علی فلان» که اولی به معنای عهده‌دار شدن کاری برای کسی است و دیگری به معنای اعتماد به دیگری و واگذاری امر به اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ص ۸۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۱۲ و ۶۱۳).

گاهی نیز آن را به اظهار عجز و اعتماد به دیگری معنا کرده‌اند. درباره توکل بر خدا گفته‌اند: توکل بر خدا یعنی: واگذاری کار به خداوند و اعتماد به حسن تدبیر او (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۶۹).

«به کرسی نشستن اراده انسان و دست یافتن به هدف و مقصد در این عالم (که عالم ماده است) احتیاج به اسبابی طبیعی و اسبابی روحی دارد، و چنان نیست که تمام تأثیر از آن اسباب طبیعی باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۰۲). تأثیر این علل و موانع معنوی و روحی بسیار گسترده، و در تمام زندگی انسان اثرگذار است. از جمله جنبه‌های اثرگذاری این امور تنظیم رابطه بین زن و شوهر است. در تنظیم این رابطه هم امور روحی و معنوی بسیاری نقش ایفا می‌کنند که توکل بر خداوند می‌تواند در ایفای نقش مثبت تأثیری بسزا داشته باشد. در آیات قرآن کریم نیز به این نقش کلیدی اشاره شده و به همسران توصیه شده که از آن بی‌بهره نمانند. توصیه به استفاده از نقش کلیدی توکل در تنظیم روابط همسران در آیات سوره «طلاق» بیان شده است. در آیه اول این سوره، خداوند راه کارهایی را برای

۱۱، ص ۱۶۴۳۶)، اما برای توضیح دادن رفتار از این کلمات استفاده نمی‌کنند. رفتار به کارها و کنش‌هایی گفته می‌شود که از روی آگاهی و با توجه و انگیزه انجام می‌شود، برخلاف فعل و کنش که شامل کنش‌هایی که این‌گونه نباشند هم می‌شود. به همین سبب، رفتار را به روش و سیرت هم معنا کرده‌اند (همان، ج ۷، ص ۱۰۷۰۷).

رفتار برخلاف گرایش، که امری باطنی و درونی است، امری بیرونی و عینی است. در این مقاله، عوامل رفتاری مؤثر در سازگاری بیان می‌شود.

«سازگاری» یعنی هم‌نواپی و همراهی با دیگری که این دیگری می‌تواند شیء، حیوان یا انسان باشد. دو انسان با انگیزه‌های مختلفی ممکن است با یکدیگر همراه و هم‌نوا شوند. این انگیزه‌ها ممکن است کسب درآمد بیشتر، به دست آوردن موقعیت اجتماعی بهتر و... باشد. اما نکته مهم این است که هر هدفی که برای سازگاری در نظر گرفته شود، دوام سازگاری نیز وابسته به همان هدف خواهد بود. دو شریکی که برای رسیدن به درآمد بیشتر نسبت به یکدیگر تعهداتی را می‌پذیرند، تنها تا زمانی بدان پایبندند که به آن سود موردنظر نرسیده باشند. به محض تحقق آن هدف، دیگر تعهدی برای ادامه رفتارهای سازگارانه وجود ندارد. منابع دینی ما هدف سازگاری خانواده را رضای خداوند معرفی می‌کنند که هدفی برتر و همواره قابل پی‌جویی است. بنابراین، منظور ما از سازگاری هر نوع صلح، آشتی، هم‌نواپی و دوری از تنش است که برای رسیدن به یک هدف برتر، که همان رضایت خداوند است، انجام می‌گیرد و هدف‌های میانی و ابتدایی نیز در راستای آن هدف قرار می‌گیرد.

از مجموع آنچه گذشت، روشن شد توکل به خدا یعنی انسان به قدرت و تدبیر الهی اعتماد کرده، کار خودش را به او واگذار کند. چنین کاری در فرایند بازگشت به زندگی نه تنها امید فراوانی در دل انسان ایجاد می‌کند، بلکه چون خداوند تمام شرایط برای اقدام به حل مشکل را داراست، مشکل، برطرف شده و سازگاری بین همسران برقرار خواهد شد.

۲. رعایت ضوابط دینی

یکی از آیاتی که در آن به عوامل سازگاری اشاره شده، آیه ۳۴ سوره «نساء» است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد، در بستر از آنها دوری نمایید!) و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).

خداوند در این آیه زنان را به دو دسته تقسیم می‌کند: زنان صالح و زنان ناشز. ناشز یعنی کسی که تعمداً از

وصل مجدد همسران پس از طلاق به آنها ارائه می‌کند و در نهایت، به ایشان توصیه می‌کند امید داشته باشند که خداوند اسباب وصل دوباره آنها را فراهم کند. در ادامه، در آیه دوم می‌فرماید: در اواخر زمان عده، چه تصمیم به جدایی گرفتید و چه تصمیم به بازگشتن به زندگی مشترک، در هر دو صورت، باید عرف و اخلاق و شریعت را رعایت کنید. و در ادامه می‌فرماید: و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. در ادامه در آیه ۳ به مسئله توکل پرداخته، می‌فرماید: هر کس بر خدا توکل کند، خداوند امرش را کفایت می‌کند. او فرمان خود را به انجام می‌رساند.

﴿... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (طلاق: ۳)؛ ... و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند. خداوند تحقق‌بخشنده به اراده خویش است و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!

اثری که در این آیه برای توکل بر خدا بیان می‌شود محدود به زمان و مورد خاصی نیست و همواره و در هر شرایطی وجود دارد. طبیعتاً شامل مسئله‌ای که در همین آیات مورد بحث قرار گرفته، یعنی بحث طلاق، نیز می‌شود. خداوند می‌فرماید: نتیجه توکل بر خدا این است که خداوند در مسئله طلاق امر او را کفایت می‌کند. و باز از این جهت هم تفاوتی نخواهد داشت که همسران پس از طلاق، بازگشت به زندگی را انتخاب کنند یا جدا شدن همیشگی از یکدیگر را؛ هر کدام را که انتخاب کنند، اگر با توکل بر خدا همراه باشد، این وعده الهی همراهشان خواهد بود. خداوند می‌فرماید: در هر کدام از این مقاصد اگر به خدا توکل کنند خداوند آنها را به هدفشان می‌رساند و مشکلات را از سر راهشان برمی‌دارد.

یکون علی اعتدال»، و نیز با توجه به سیاق‌های مختلفی که در آن به کار می‌رود، به «سامان» و «شایسته» معنا کرد (ر.ک: مجتوی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۸؛ مشکینی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸).

صالح بودن موجب سازگاری بین زنان و همسرانشان می‌شود؛ زیرا با توجه به آنچه گذشت، صالح یعنی کسی که براساس اعتدال رفتار می‌کند و از مسیر حق و انصاف خارج نمی‌شود، و این دقیقاً همان نقطه مقابل نشوز است. از این رو، سیاق آیه شریفه که زنان صالح را در مقابل زنان ناشزه می‌داند، تأیید می‌کند که صلاح در این آیه در معنای پیش‌گفته به کار رفته باشد؛ چراکه نشوز یعنی شانه خالی کردن از وظایفی که در زندگی زناشویی بر عهده هر کدام از همسران می‌باشد (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۸۹۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۴) و این یعنی خروج از مسیر حق و انصاف که دقیقاً نقطه مقابل صلاح است.

پس یکی از اسباب سازگاری این است که زنان همواره مراقب رعایت اعتدال در زندگی باشند و پا را از حدود فقهی و اخلاقی بیرون نگذارند.

۳. فرمان برداری

زمانی که در یک مجموعه، شخصی مدیریت آن را بر عهده گرفت، باید نسبت به تحقق اهداف آرمانی آن مجموعه احساس وظیفه کند. این فرد برای رساندن مجموعه تحت مدیریتش به آن اهداف، از اختیاراتی نیز برخوردار خواهد بود. در مقابل، دیگر اعضای آن نهاد نیز باید به این جایگاه احترام گذارده، از دستورات او پیروی کنند. در نظام اجتماعی خانواده در اسلام، مسئولیت مدیریت این نهاد به عهده مرد گذاشته شده است و در مقابل، از زن خواسته شده که این حق را به رسمیت بشناسد. یکی از اثرات احترام به این قانون، ایجاد محیطی

انجام وظایف خود در قبال همسرش سر باز زده، بنای ناسازگاری دارد (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۸۹۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۲). چنین زنی هرگز به دنبال صلح و همنوایی با همسرش، که از اساسی‌ترین مؤلفه‌های سازگاری است، نمی‌باشد؛ از این رو، می‌توان این اصطلاح را، دست‌کم در ادبیات دینی، بهترین واژه برای معرفی زنان ناسازگار دانست و در مقابل، زنان صالح را که در آیه شریفه به‌عنوان دسته مقابل زنان ناشز قلمداد شده‌اند، به‌عنوان زنان سازگار قلمداد کرد.

آیه شریفه پس از تقسیم زنان به دو دسته «زنان سازگار» و «زنان ناسازگار»، برای زنان دسته اول چند صفت را برمی‌شمارد. برشمردن این صفات برای این زنان به این مطلب اشاره دارد که همین صفات باعث شده آنان سر ناسازگاری نداشته و ناشزه نشوند. از این رو، این صفات را می‌توان از علل سازگاری دانست. این صفات عبارتند از: صالح و قانت بودن و حفاظت از اسرار و حقوق شوهر در زمان غیبت او. در ادامه درباره هر کدام از این عوامل سخن می‌گوییم.

«صالح» از ریشه «صلح» و مصدر صلح است. بسیاری از کتب لغت، «صلح» را به وسیله واژه مقابل آن یعنی «فساد» معنا کرده و در بیان معنای آن به «ضد الفساد» اکتفا کرده‌اند (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۳ و ۳۸۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰۳). علّامه طباطبائی مراد از فساد را هر آن چیزی دانسته است که نظام شایسته کنونی حاکم بر عالم را از بین ببرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۹۵). با دقت در کاربردهای قرآنی و کاربردهایی که برای این کلمه در کتب لغت بیان شده، به درستی این سخن حکم خواهد شد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان صلاح را به «ما

برخی دیگر، هر دو احتمال را مراد آیه می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۹) و عده‌ای هم، احتمال دوم را برمی‌گزینند؛ یعنی هر دو ناظر به زوج می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۴).

هرچند هر عملی که موجب تضييع حقوق همسر شود در واقع، نافرمانی خداوند هم هست، اما آنچه با سیاق داخلی آیه سازگارتر است همین است که مراد از قنوت، اطاعت در برابر همسر باشد؛ چراکه در این آیه سخن از نظر قرآن درباره حق مدیریت مرد در نهاد خانواده است، بخصوص اینکه این صفت در مقابل «نشوز» است و نشوز به سر باز زدن زن در برابر تکالیفی که در قبال همسر دارد اطلاق می‌شود. با توجه به مطالب پیش، یکی از عوامل سازگاری این است که زن در امور مربوط به رابطه خود با همسرش با اراده و توجه و با رغبت و محبت از او فرمان‌برداری کند.

اما به هر حال، طبق قول دیگر در این بحث، آیه شریفه ناظر به فرمان‌برداری از خداوند است و بر اساس این برداشت از آیه شریفه، می‌توان یکی از عوامل سازگاری را فرمان‌برداری عاشقانه از خداوند دانست.

۴. رعایت حقوق شوهر در غیاب وی

در روایات معصومان علیهم‌السلام برترین زنان کسانی دانسته شده‌اند که در نبود شوهر امانت‌دار او باشند، از مال او مراقبت کرده، خویش را نیز از نامحرمان محافظت کنند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۷). قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره «نساء» یکی از آثار این کار را ایجاد سازگاری میان زن و شوهر شمرده است. خداوند در این آیه، یکی از صفات زنان سازگار را چنین می‌شمارد: آنها حافظ غیب هستند. برای روشن شدن معنای این ترکیب، نظر مفسران را بررسی می‌نماییم:

آرام و به دور از نگرانی در خانواده است. همان‌گونه که گذشت، در آیه ۳۴ سوره «نساء» به این امر اشاره شده و «قنوت» یکی از عوامل سازگاری شمرده شده است.

برای پی بردن به مراد آیه شریفه، ابتدا باید معنای واژه «قنوت» به دقت بررسی شود. سپس این مطلب توضیح داده شود که آیه شریفه، قنوت در برابر چه کسی را مؤثر در سازگاری می‌داند.

معنای واژه قنوت: «قنوت» به طاعتی گفته می‌شود که با اراده و توجه، رغبت و محبت (ر.ک: سیدبن قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۵۲) و خضوع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۸۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۴) انجام شود. از این رو، زن قانت زنی است که اطاعتش از همسرش نه از سر اکراه و بدین جهت است که باید چنین کند، بلکه با رغبت و میل به این کار می‌پردازد و این نوع از طاعت است که با مفاهیم کلیدی در سازمان خانواده، مثل مودت، سکن و لباس، سازگار است (ر.ک: سیدبن قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۵۲).

بحث دیگری که در اینجا مطرح است این است که این قنوت مورد اشاره آیه، قنوت نسبت به خداوند است یا قنوت نسبت به همسر؟

برخی از مفسران دو احتمال در این باره مطرح کرده‌اند: در این فراز ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ﴾ دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه مراد از قنوت، اطاعت الهی باشد و مراد از «حافظات للغیب» رعایت حق زوج در نبودش، و احتمال دیگر اینکه هر دو ناظر به زوج باشد؛ «قنوت»، طاعت او در حضورش را می‌گویند و «حافظات للغیب»، رعایت حقش در غیاب او را.

این مفسران در ادامه می‌گویند: با توجه به اینکه «ال» در «الصالحات» برای استغراق است، زن صالح نخواهد بود، مگر اینکه مطیع همسرش باشد.

بر سر این است که نوع اضافه «حفظ» به «اللّه» چیست؛ اضافه به فاعل است یا مفعول؟ اگر «اللّه» فاعل «حفظ» باشد، معنای آیه چنین خواهد شد: زنان بر این کارها موفق نخواهند شد مگر به حفظ و توفیق الهی. و اگر «اللّه» مفعول «حفظ» باشد، آیه می‌فرماید: زنان به سبب حفظ کردن حدود الهی بدین کار موفق خواهند شد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۱). بنابراین، طبق یک احتمال، آیه شریفه حفظ حدود الهی را شرط لازم برای توفیق زنان به انجام وظایفشان می‌داند و طبق احتمال دیگر، دریافت توفیقات الهی را شرط آن می‌داند. و از آنجاکه این وظایف نقش کلیدی در سازگاری ایفای می‌کند و لازمه وجود سازگاری‌اند، این دو امر هم از لوازم و بایسته‌های وجود سازگاری بین همسران خواهد بود. بنابراین، بهره‌مند بودن از توفیقات الهی شرط سازگاری است.

۶. رعایت حریم عفاف

دستورات اسلامی و آموزه‌های قرآنی هرچند (به دلایلی که فرصت بررسی آن در این مقاله وجود ندارد) به صورت یک نظام ارائه نشده است، ولی هریک پرکننده یک خانه از خانه‌های جورچین نظامی از نظام‌های اسلامی است. اسلام دارای نظام‌های کلان و خرده‌نظام‌هایی مانند نظام حقوق خانواده، نظام اخلاق خانواده و... می‌باشد. از این رو، از دو منظر به آداب و دستورات اجتماعی قرآن می‌توان نگریست؛ نخست اینکه هر کدام از آنها به تنهایی لحاظ شده و نقش رعایت و عدم رعایت آنها در سعادت و شقاوت انسان بررسی شود و دیگر اینکه اسلام دارای یک نظام اخلاقی و حقوقی در نظر گرفته شده، این آداب اجزایی از این نظام - که دارای ارتباط وثیقی با یکدیگر هستند - دانسته شود (ر.ک: سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴،

برخی از مفسران می‌گویند: از آنجاکه غیب خلاف شهادت است، «حافظات للغیب» یعنی: در غیبت شوهر از همه حقوق او محافظت می‌کند، اعم از حفظ خود از زنا، حفظ مال شوهر و حفظ خانه همسر از هر آنچه او نمی‌پسندد. سپس به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استشهاد می‌کنند که در تفسیر این آیه فرمودند: «خیر النساء إن نظرت إلیها سرتک و إن أمرتها إطاعتک و إن غبت عنها حفظتک فی مالک و نفسها» (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۱)؛ بهترین زن کسی است که نگاه به او شادمانت کند، اگر به او دستور بدهی اطاعت کند و در نبود تو از خودش و اموال تو مراقبت کند.

با توجه به اطلاق آیه شریفه، حفظ غیب شامل تمام موارد بالا می‌شود و اختصاص آن به برخی موارد دلیل ندارد. بنابراین، آیه شریفه می‌فرماید: یکی از علل سازگاری این است که زن در غیبت شوهرش تمام حقوق او را محترم شمرده، خود و خانه را به گونه‌ای مدیریت کند که مطابق با پسند و رضایت همسرش باشد.

۵. زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از توفیق الهی

یکی دیگر از عواملی که در آیه ۳۴ سوره «نساء» به عنوان عوامل سازگاری مطرح است، طلب توفیق از خداوند است. خداوند بلافاصله پس از بیان صفاتی که به سازگاری منجر می‌شود، از شرط بهره‌مندی از این صفات نیز سخن می‌گوید و می‌فرماید: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّهُ﴾

این فقره از آیه شریفه می‌فرماید: اینکه زنان بتوانند این وظایف را رعایت کنند، مشروط به امری است که بدون آن هرگز موفق به این کار نخواهند شد. درباره اینکه این شرط چیست، بین مفسران اختلاف است. این اختلاف ناشی از اختلاف آنها در ترکیب آیه شریفه است. اختلاف

آن بازمی‌دارد. یکی از عواملی که تأمین‌کننده این هدف کلان نظام آرمانی اسلام است، حفظ حریم بین زن و مرد نامحرم در اجتماع است. از این رو، در آیات بسیاری، ضمن توصیه به رعایت حریم بین زن و مرد در اجتماع، این مطلب با تأکیدات و بیان‌های مختلف بیان شده است. از جمله این آیات، دو آیه ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه «نور» است.

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أْبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أْبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را

ص ۲۵۱۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۹۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۰۰-۳۰۲).

در نگرش دوم، به این بسنده نمی‌شود که هر کدام از گزاره‌های دینی به تنهایی ملاحظه شده، تأثیر آن در سعادت و شقاوت فرد بررسی شود، بلکه در کنار آن، تأثیر این آموزه در نظام اخلاقی و حقوقی اسلام و تأثیر و تأثرات آن در بقیه احکام و گزارش‌های دینی مورد کنکاش و مطالعه قرار می‌گیرد. در این نگرش، یک دستور دینی ممکن است تأمین‌کننده چند غرض و هدف از اهداف مدنظر دین باشد.

از آنجا که اسلام یک مکتب جامع است، باید این قوانین اسلامی را با رویکرد دوم تحلیل و بررسی کرد.

در منابع اسلامی نیز در گوشه‌ای از آن، به یکی از آرمان‌های نظام‌های اجتماعی آن اشاره می‌شود و در گوشه‌ای دیگر، به عوامل تحصیل‌کننده این هدف و غرض طبیعی است که در هنگام توصیه به امور مؤثر در تأمین این هدف کلان، همواره به تأثیر آن امور در این هدف تصریح نمی‌شود، بلکه خداوند با توجه به آن هدف و تأثیر مثبت یا منفی این امور در آن، صرفاً احکامی را درباره آنها صادر می‌کند؛ از اموری که تأثیر منفی در آن هدف دارند بازمی‌دارد و نسبت به عواملی که تأثیر مثبت در آن دارند ترغیب می‌کند. از این رو، اگر مطلوب بودن هدفی از منظر قرآن کریم به اثبات برسد و از سوی دیگر، تأثیر امری که قرآن کریم به آن دستور داده در تحصیل آن هدف اثبات شود، می‌توان آن امر را از عوامل تحقق هدف مذکور از منظر قرآن برشمرد.

یکی از اهداف آرمانی نظام اجتماعی اسلام، استحکام هرچه بیشتر پایه‌های خانواده و روابط درون خانوادگی است. از این رو، از طرفی، به عوامل محکم‌کننده این رابطه ترغیب می‌کند و از سوی دیگر، از عوامل آسیب‌رسان به

انجام دهد. برای نمونه، «الناس ابناء ما يحسنون» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۱)؛ یعنی مردم به خوبی‌هایی که می‌دانند و انجام می‌دهند منسوبند. البته از منظر صفات فردی، احسان برتر از انعام و فوق عدل است؛ چراکه عدل اعطای به اندازه حق است و احسان اعطای بیش از حق. بنابراین، احسان یعنی خوبی کردن به دیگری بیش از آنچه مستحق آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۵).

در آیه ۱۲۸ سوره «نساء» ابتدا خداوند به برخی از عوامل بروز ناسازگاری اشاره می‌کند در ادامه، همسران را دعوت به صلح و سازگاری می‌کند و دوباره نسبت به بروز عاملی دیگر از عوامل ناسازگاری هشدار می‌دهد. در انتهای آیه، آنها را به احسان و تقوا دعوت می‌کند: «وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۲۸)؛ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از برخی از حقوق خود، به خاطر صلح، صرف نظر نماید). و صلح، بهتر است اگرچه مردم (طبق غریزه حب ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

این آیه شریفه در فرازهای مختلف، دعوت به سازگاری و برحذر داشتن از موانع آن می‌کند. در ابتدا می‌فرماید: اگر خوف بروز رفتارهای ناسازگارانه از مرد وجود داشت و نشانه‌های بروز چنین رفتاری مشاهده شد، سریع اقدام کرده، از بروز آن جلوگیری کنند. در ادامه، نسبت به بخل که ممکن است مانع این اقدام شود هشدار داده، آنها را از بروز آن برحذر می‌دارد. سپس در همین

به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)، و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تارستگار شوید!

خداوند در این آیات، به زنان و مردان هشدار می‌دهد در روابط اجتماعی با جنس مخالف حریم‌ها را حفظ کنند و پا از آن فراتر نگذارند. علاوه بر اینکه به زن و مرد تذکر می‌دهد که نگاه و پوششان را مدیریت کنند، به زنان تذکر می‌دهد از هرگونه رفتاری که ممکن است شهوت مردان را تحریک کند خودداری کنند، هرچند این حرکت، تکان دادن پا برای رساندن صدای خلخال پایشان به مرد بیگانه باشد. تأثیر حفظ حریم بین زن و شوهر در تحقق آرمان شهر اسلامی با توجه به روایات نیز قابل اثبات است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤالی درباره نگاه به موی زن نامحرم فرمودند: علت حرام بودن نگاه به موی زن نامحرم این است که این کار شهوت شخص را برمی‌انگیزد (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴). در برخی تفاسیر نیز در ذیل این آیه شریفه، حفظ بنیان خانواده به عنوان یکی از آثار مدیریت نگاه آورده شده است (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۷۶؛ ج ۱۴، ص ۴۴۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۹۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۰۱). همچنین شهید مطهری به ارتباط استحکام روابط همسران با محدود کردن استمتاعات جنسی در محیط خانواده اشاره کرده، به تفصیل در این باره سخن گفته است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۳۷-۴۳۹).

۷. نیک رفتاری

هر چیز خوشحال‌کننده‌ای را که انسان به آن رغبت کند «حُسن» می‌گویند. احسان به دو صورت است: یا انعام به دیگری و یا احسان در فعل خود شخص. دومی در صورتی است که یا چیز نیکویی را بداند یا کار نیکویی را

برابر بدی دیگران و خودداری از انتقام است (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۷). گاهی در برابر مصیبت است و به معنای خودداری از بی‌تابی (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۰۶) و گاهی خودداری در برابر امور دیگر.

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های اخلاقی قرآن کریم به انسان‌ها صبر است. قرآن کریم در آیات فراوانی صابران را ستوده و نتایج بسیار گران‌بهایی برای صبر بیان کرده است. به صابران وعده همراهی خدا با آنان داده شده (انفال: ۴۶)، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده به آنان بشارت دهد (بقره: ۱۵۵)، وعده درود و رحمت الهی به آنها داده شده (بقره: ۱۵۷)، به مؤمنان توصیه شده که از صبر کمک بخواهند (بقره: ۴۵) و... یکی از ثمرات صبر پیشه کردن، ایجاد سازگاری میان همسران است.

خداوند در ذیل آیه ۱۹ سورة «نساء» خطاب به مردانی که قصد جدا شدن از همسرشان را دارند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب زشت‌کاری آشکاری شوند، و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن خیر فراوان قرار می‌دهد.

اولین مفهوم این کلام این است که در طلاق دادن همسران عجله نکنید. اندکی تأمل کنید؛ شاید تصمیمتان اشتباه باشد، شاید آمیدی به بهتر شدن اوضاع باشد، و شاید آینده‌ای روشن در انتظار شما باشد. یعنی قرآن کریم

زمینه، زن و شوهر را توصیه به تقوا و احسان به یکدیگر می‌کند. از اینکه خداوند بعد از دعوت به سازگاری، آنها را به این امور توصیه می‌کند می‌توان دریافت که تقوا و احسان در تحقق سازگاری مؤثرند.

از همین روست که مفسران در بیان معنای تقوا و احسان در ذیل این آیه شریفه به سراغ مصادیقی از آن رفته‌اند که در تحقق سازگاری بین همسران نقش ایفا می‌کند. برخی مراد از احسان را صبر مردان بر آنچه از رفتار زنان ناپسند می‌دارند دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۸۴). برخی معتقدند: یعنی با اینکه از آنها خوششان نمی‌آید کنارشان بمانید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۷۱).

البته با توجه به توسعه معنایی «احسان» روشن می‌شود آنچه مفسران در تفسیر این کلمه بیان کرده‌اند تنها بیان مصادیقی از آن است و هرگز محصور به آنها نیست. نیکی کردن به دیگران نقش بسزایی در ایجاد الفت و از بین رفتن کدورت‌ها ایفا می‌کند. از این رو، در روایات بسیار به آن سفارش شده است (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۸). نکته کلیدی در این توصیه آن است که قرآن کریم برای ایجاد یک سازگاری مستمر، به همسران توصیه می‌کند که مصرانه بر حق و تکلیف خود پافشاری نکنند، بلکه همواره با احسان با یکدیگر رفتار کنند؛ یعنی در قبال همسرشان بیش از آنچه مستحق آن است بدو نیکی کنند. با توجه به توسعه زیاد معنای احسان، این عنوان شامل بسیاری از کارها می‌شود که می‌توان به استناد این آیه آنها را از عوامل سازگاری برشمرد.

۸. صبر

«صبر» به معنای خویشتن‌داری و حبس نفس بر طبق حکم شرع و عقل است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۹) که گاهی در

دارای حقوقی بر دیگران بوده و هیچ تکلیفی نسبت به آنها نداشته باشد (ر.ک: نبویان، ۱۳۸۶). این قوانین در تمام جوامع برقرار است؛ از جمله در خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است. براساس قوانین اسلامی، زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند که این حقوق در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام بیان شده است. در قرآن کریم یکی از اثرات پای‌بندی به این حقوق، ایجاد سازگاری میان همسران و شکل گرفتن زندگی به دور از تنش شمرده شده است.

آیات ۲۲۳ تا ۲۳۲ سوره «بقره» راجع به همسرانی است که قصد دارند از یکدیگر جدا شوند. خداوند به صورت تلویحی در این آیات، ابتدا آنان را ترغیب می‌کند که به زندگی‌شان ادامه دهند و آهنگ جدایی نکنند و بیان می‌دارد که ادامه زندگی مشترک بر جدا شدن ترجیح دارد. بیان مطلب بدین صورت است که طبق دو آیه ۲۲۶ و ۲۲۷ کسانی که راه بازگشت به زندگی زناشویی را برمی‌گزینند با خدای غفور و رحیم مواجه خواهند بود، ولی کسانی که راه طلاق را برمی‌گزینند با خدای شنوا و دانا روبه‌رو خواهند بود. ضمن اینکه در همین آیات نه تنها در ایام عده، خداوند شوهر را اولای از دیگران برای زندگی با همسرش دانسته، بعد از اتمام عده نیز با اینکه دیگران هم می‌توانند به خواستگاری این زن بیایند، اما قرآن به اطرافیان توصیه می‌کند اگر همان زن و مرد قصد داشتند دوباره با هم زندگی کنند کارشکنی نکنند. سپس برای برگشت به زندگی پیشنهادهایی به آنها ارائه می‌کند که با توجه به قرآنی، می‌توان این پیشنهادها را از عوامل مؤثر در رفع ناسازگاری آنها دانست؛ چراکه:

اولاً، سازگاری بین همسران یکی از هدف‌های زندگی زناشویی از منظر قرآن است.

ثانیاً، قرآن کریم در این آیات ضمن دعوت همسران

به انسان امید می‌دهد که شاید در اثر صبر و اوضاع به گونه‌ای پیش برود که این ناسازگاری کاهش یابد و همسران بتوانند در کنار هم به زندگی ادامه دهند.

ممکن است گفته شود: خداوند در آیه شریفه نفرموده است که اگر صبر کنید با هم سازگار می‌شوید، بلکه فرموده: خدا به شما خیر کثیر عطا خواهد کرد، و معلوم نیست این خیر کثیر ربطی به سازگاری داشته باشد، بلکه اساساً ممکن است مراد از این خیر کثیر پاداش اخروی باشد و اصلاً ناظر به امور دنیوی نباشد؛ یعنی همسران به آرامش در زندگی هم نرسند، ولی خیر کثیر به آنها داده شود.

در پاسخ به این سخن باید گفت: طبق تعریف، سازگاری شامل طیف وسیعی می‌شود. سازگاری هر نوع صلح، آشتی، همنوایی و دوری از تنش است که برای رسیدن به یک هدف برتر که همان رضایت خداوند است انجام می‌گیرد و هدف‌های میانی و ابتدایی نیز در راستای آن هدف قرار می‌گیرد. در محل بحث هم سرانجام، همسران هرچند برای رسیدن به پاداش اخروی به جای جدایی، با یکدیگر صلح می‌کنند و ضمناً از تنش دوری می‌گزینند. و این کار، دقیقاً مصداقی از سازگاری خواهد بود. و خیر بی‌شماری که در آیه بدان اشاره شده است، همان حراست از کیان خانواده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۵ و ۲۶).

۹. پای‌بندی به حقوق همسر

انسان به سبب زندگی کردن در اجتماع، ناگزیر از ارتباط برقرار کردن با دیگران است. درباره مبنای این ارتباطات و قوانین حاکم بر آن، بحث‌های فراوانی در فلسفه حقوق صورت گرفته است. براساس تعالیم اسلامی در روابط انسانی، هر انسانی که دارای حق بر دیگران است، تکلیفی نیز نسبت به آنها دارد، و چنین نیست که یک انسان صرفاً

به زندگی، به آنها توصیه‌هایی نیز می‌کند.

با توجه به اینکه مشکل اصلی مطرح در این آیات، همان ناسازگاری بین همسران است که باعث شده تصمیم به جدایی بگیرند، ناگزیر توصیه‌های قرآنی ناظر به همین مشکل و برای حل همین مشکل بیان شده است. از این رو، با توجه به این مطالب می‌توان این توصیه‌ها را در رفع ناسازگاری کارا دانست. از بیان علامه طباطبائی نیز چنین برداشتی قابل استفاده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳).

یکی از این توصیه‌ها این است که همواره به این نکته کلیدی در روابط زناشویی، یعنی تلازم حق و تکلیف در خانواده توجه کنند. یعنی همان‌گونه که مرد در خانه حقوق و امتیازاتی دارد، وظایفی هم بر عهده دارد و زن نیز دارای امتیازات و تکالیفی در زندگی زناشویی است.

﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره: ۲۲۸)؛ و زنان طلاق‌داده‌شده، باید مدت سه پاکی انتظار کشند، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده، پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند، به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند. و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به‌طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است، و مردان بر آنان درجه برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است. با کمی دقت در موارد اختلاف همسران، روشن می‌شود که در بسیاری از موارد توجه نکردن به این اصل قرآنی ریشه ایجاد مشکل است. هر کدام از همسران یا از وظیفه‌ای از وظایف خود در قبال همسر و خانواده

کوتاهی کرده یا یکی از حقوق دیگری را محترم نشمرده است. قرآن کریم به همسران توصیه می‌کند در تمام رفتارهای خود همواره حقوق یکدیگر را محترم بشمارند و در انجام وظایفشان نیز کوتاهی نکنند.

۱۰. رعایت ارزش‌های اجتماعی در رفتار

مسلمانان در سراسر دنیا در جوامع گوناگونی زندگی می‌کنند و محیط‌های مختلف اجتماعی دارای ضوابط مختلفی است. از جمله آنها آداب است که در زندگی زناشویی وجود دارد. قرآن کریم این قوانین را به شرط مخالفت نداشتن با شریعت و عقل تأیید کرده، بر رعایت آن تأکید دارد. ضمناً یکی از راه‌کارهایی که قرآن کریم آن را برای ایجاد سازگاری همسران به آنها پیشنهاد می‌کند احترام به همین قراردادهای اجتماعی و عرفی است؛ البته مشروط به آنچه بیان شد؛ یعنی مخالفت نداشتن با عقل و شریعت. همان‌گونه که گذشت، خداوند در آیه ۲۲۸ «بقره» همسران را به اموری که در رفع ناسازگاری مؤثرند توصیه می‌کند. دومین مطلبی که همسران در آن آیه بدان توصیه شده‌اند عمل بر طبق معروف است.

«معروف» یعنی آنچه عموم مردم آن را پسندیده می‌شمارند (رشیدرضا، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۱۶). علامه طباطبائی آن را محصول هدایت عقل و شرع و مطابق خلق نیکو و ادب می‌شمارد و در ادامه می‌گوید: چون اسلام احکامش مبتنی بر فطرت انسانی است، بنابراین، معروف نیز آن رفتارهایی است که مردم مبتنی بر فطرتشان آن را نیکو می‌شمارند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲). بنابراین، پیشنهاد قرآن برای رفع ناسازگاری این است که همسران باید به قواعد عرفی و اجتماعی که مطابق با فطرت و عقل بشری است پایبند باشند. این توصیه، دامنه

مسخره نکردن دیگران (حجرات: ۱۱)، دوری از سخنان بیهوده، اظهار نظر نکردن درباره موضوعی که از آن اطلاعی ندارد (اسراء: ۳۷) و... از جمله این توصیه‌هاست.

قرآن کریم در دو آیه ۷۰ و ۷۱ سوره «احزاب» ابتدا مؤمنان را به رعایت تقوا و گفتار متقن دعوت می‌کند، سپس دو نتیجه را بر آن مترتب می‌کند: یکی اصلاح اعمال و دیگری بخشش گناهان: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَعْفُو لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بپامرزد و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است!

از این آیه به روشنی می‌توان تأثیر تقوا و قول سدید را در سازگاری استفاده کرد.

خداوند در این آیه کریمه «قول سدید» را مؤثر در اصلاح اعمال انسان می‌شمارد. «اعمال» در آیه شریفه به صورت عام استعمال شده و شامل تمام اعمال انسان می‌شود؛ اعم از گفتن، شنیدن، دیدن و... از طرفی، در بسیاری از موارد ناسازگاری پیش آمده ریشه در رفتار ناشایست یکی از همسران یا هر دوی آنها دارد. گفتار نیکو با اصلاح این رفتارهای ناشایست، ریشه ناسازگاری را می‌خشکاند.

قول سدید: آنچه در اینجا باید بررسی شود معنای کلمه «سدید» است. «قول سدید» که قرآن آن را از عوامل سازگاری می‌شمارد به چه معناست؟

اصل معنای «سَدَّ» پوشاندن شکاف یک چیز (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۶۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۸۳) و محکم کردن آن (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۵) می‌باشد. سپس به همین مناسبت در موارد مشابهی به کار رفته؛ مثلاً، به معنای محکم و نفوذناپذیر و یا به معنای استوار.

بسیار زیادی را شامل می‌شود و در واقع، زن و شوهر را دعوت می‌کند به دامان اخلاق و ادب بازگردند و رفتارشان را براساس آن سامانی دوباره ببخشند.

آیات ۲۲۳ تا ۲۳۷ سوره «بقره» درباره طلاق سخن می‌گوید. واژه «معروف» ۱۲ بار در این آیات تکرار شده است تا تذکری باشد که این کار (طلاق) باید بر طبق معروف به انجام برسد؛ چه آن انجام، برگشت دوباره به زندگی مشترک باشد و چه طلاق و جدایی. می‌توان دو وجه زیر را برای تکرار این کلمه برشمرد:

اولاً، در این آیات مراحل مختلفی ذکر می‌شود؛ طلاق‌های رجعی و بائن، برگشت دوباره به زندگی و... خداوند می‌فرماید: در تمام این موارد باید طبق معروف عمل شود. ثانیاً، از آنجاکه معمولاً در این ماجرا، به دلیل شدت اختلافات و ناراحتی‌ها، اخلاق و ادب رعایت نمی‌شود، قرآن کریم دایم به همسران تذکر می‌دهد که در تمام مدت مراقبت کنند رفتار ناشایستی از آنان سر نزنند.

مشاوره تلک در «تلک حدود الله» در آیه شریفه مجموع مطالب گفته شده در دو آیه قبل است که یکی از آنها این است که یا باید امساک به معروف کنید یا تسریح به معروف (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۷۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۴۴۸). این حد و حریم الهی است؛ مرد تنها در صورتی حق رجوع دارد که قصد اصلاح و سازش داشته باشد.

۱۱. درست و زیبا سخن گفتن

سخن گفتن مهارتی است که در بیشتر ارتباطات اجتماعی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. قرآن کریم عنایت ویژه‌ای به این مهارت داشته، برای به دست آوردن آن توصیه‌های فراوانی دارد. به نیکی سخن گفتن (بقره: ۸۳)، استفاده نکردن از القاب ناشایست برای دیگران (حجرات: ۱۱)،

«نساء» نیز به لحاظ صورت و نحوه سخن گفتن است. در این آیه، سخن از نوع برخورد با یتیمان است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾؛ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، (با آنها) با نرمی و محبت سخن بگویند.

شاهد این برداشت هم نظر مفسرانی است که قول سدید را در این آیه ناظر به شکل و چگونگی ادای سخن دانسته‌اند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۷۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۲؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۷۸).

با توجه به مطالب گذشته و نیز اطلاق آیه شریفه، می‌توان گفت: آنچه در این آیه بدان دستور داده شده کلامی است که هم از جهت محتوا و هم از جهت قالب، قابل دفاع باشد؛ یعنی انسان هم خوب سخن بگوید و هم سخن خوب و شایسته بگوید. قرآن کریم چنین سخن گفتنی را در اصلاح روابط اجتماعی و از جمله رابطه همسران و رسیدن آنها به سازگاری مؤثر می‌شمارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت:

- اعتماد به قدرت و تدبیر الهی و توکل به او یکی از مهم‌ترین عوامل سازگاری همسران است.
- رعایت ضوابطی که دین برای روابط همسران تعیین کرده است دیگر عامل سازگاری آنان است.
- رعایت مرزهای عفاف و تجاوز نکردن از آنها نیز نقش بسزایی در این امر دارد.
- صبر و پابندی به حقوق همسر نیز از جمله این

«سداد من العیش» یعنی: آنچه حاجت انسان را برآورده کند و «سداد عین» یعنی: هرچه با آن کمبودی را جبران کنند (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۵۲ و ۳۵۳). به سایبان در «سده» می‌گویند؛ چون مانع نفوذ باران به در می‌شود. به خود در هم «سده» می‌گویند؛ چون مانع ورود باران به خانه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۳).

از آنجاکه در پوشاندن شکاف و ایجاد استحکام، نوعی برطرف کردن نقص و رسیدن به هدف لحاظ شده، به همین مناسبت، به اصابت تیر به هدف هم «تسدید» اطلاق شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۵۲).

پس می‌توان «سدید» را به نفوذناپذیر و «قول سدید» را به سخنی محکم و غیرقابل خدشه معنا کرد (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۵۲).

آیت‌الله جوادی آملی نیز «سد» را به همین معنا دانسته است: سد به معنای جلوگیری همراه استحکام است. این معنا در هر چیزی متناسب با آن است. قول سدید سخن محکم حق و مانع از تشابه و به هم آمیختگی است و عمل سدید، کار صحیح و حق است که باطل در آن راه نیابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۴۳۵).

پس سخن حق، سخنی محکم و غیرقابل خدشه یا به تعبیر دیگر، سخنی است که قابل دفاع باشد.

اما این صفات برای سخن گاهی به لحاظ مضمون است و گاهی به لحاظ شکل و قالب آن. برای مثال، شخصی را فرض کنید که در مناظره‌ای در مقام اثبات توحید است و بر ادعای خود براهین بسیار متقنی ارائه می‌کند، اما در اثنای مناظره بر سر رقیب داد بزند، پرخاش کند و از الفاظ نامناسب استفاده کند. این سخن اگرچه به لحاظ محتوا سدید است (چراکه قابل دفاع است و محکم و غیرقابل خدشه)، اما به لحاظ شکلی هرگز قابل دفاع و غیرقابل خدشه نیست. اطلاق سدید به گفتار در آیه ۹

سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.

شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران، امیرکبیر.

صدوق، محمدبن علی، بی تا، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، چ دوم، قم، هجرت.

فضل الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.

فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، بی تا، *القاموس المحيط*، بی جا، بی تا.

قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، چ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجتبوی، سیدجلال‌الدین، ۱۳۷۱، *ترجمه قرآن*، تهران، حکمت.

مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۴۱۹ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی‌الحسین.

مشکینی، علی، ۱۳۸۱، *ترجمه قرآن*، چ دوم، قم، الهادی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۷۸، *فرهنگ فارسی*، چ سیزدهم، تهران، امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نبویان، سیدمحمود، ۱۳۸۶، «حق و تکلیف و تلازم آنها»، *معرفت فلسفی*، ش ۱۸، ص ۲۱۷-۲۵۴.

عوامل است.

- رعایت ارزش‌های اجتماعی در رفتار و درست و زیبا سخن گفتن با همسر هم در سازگاری زن و شوهر نقش ایفا می‌کند.

- برخورد همسران با رفتاری نیکو با یکدیگر نیز از عوامل سازگاری است.

- فرمان‌برداری زن از مرد در حیطه‌ای که اسلام مدیریت آن را بر عهده مرد گذاشته، رعایت حقوق شوهر توسط همسر در غیاب وی نیز از دیگر عوامل سازگاری است.

منابع

ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۴، *النهاية فی غریب الحدیث*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، *زن در آیینه جلال و جمال*، قم، اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، چ چهارم، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المسفرات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رشیدرضا، محمد، بی تا، *تفسیر القرآن الحکیم*، بیروت، دارالمعرفه.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.